

محکمه تفتیش عقاید

۲ - محکمه گالیله

دبکی از دهه های سال ۱۵۴۶ میلادی در خانواده ای از شهر «پیز» ایتالیا کودکی به دنیا آمد که بر او «گالیلیو گالیله» نام گذارند این کودک اندامی دشت و بازوانی قوی داشت و علامت نبوغ ذاتی در چشمان درخشان و نافذ او پدیدار بود او بعد از گذراندن دوره تعلیمات ابتدایی تحصیل علم طلب برداشت ولی در سن بیست سالگی آنرا کنار گذاشت و به مطالعه و بانسیات مشغول گردید و «لا سره» در سن بیست و پنج سالگی به مقام استادی ریاضیات نایل گشت . گالیله بعد از مطالعه و بررسی دقیق درباره هیئت با اصول عقاید «کوپرنیک» عقیده پیدا کرد و در سفک طرفداران او درآمد و بعد از چندین نیز موفق ساختن دورینی نسبتاً آوی گردیده بشاهده اجرام آسمانی پرداخت و به مطالیکه آنرا و زیرای همه مجهول بود بی برد ، در این هنگام خواست اصول عقاید و افکار خود را که قسمتی از آن جزء اصول عقاید کوپرنیک بود منتشر کند ولی دوستاش با او اعلام خطر کرده و او را از مزاحمت کلیسا بر حذر داشتند ، چون این عقاید برخلاف «کتاب مقدس» تلقی میشد و خطر داری از آن به منزله استیقال از مرکز بود .

گالیله مجبور بود که منظوره آیت اندیشی برای اثبات نظریه خود تلایلی از کتاب مقدس آفا کند و با ثابت نماید که نظریه او هیچگونه مخالفتی با کتاب مقدس ندارد زیرا روحانیون مسیح برای مرجع غیر از کتاب مقدس و عقاید بطلمیوس و ارسطو ارزش نماند نبوده و هر گونه استدلال غیر مذهبی را برای اثبات نظریه ای ماطل میدانستند ؛ اما این کار یعنی استدلال به آیت کتاب مقدس و بانسیات مخالفت نداشتن آن با هر کت زمین هم برای گالیله غیر مقدور بود زیرا کلیسا هرگز اجازه نداد که با عقیده روحانی کتاب مقدس را مطابق میل تفسیر کند و آن استدلال نابد .

(بینه از ص ۶۵)

خوانندگان عزیز باید توجه داشته باشند که این بدعتیای عجیب و غریب همه درباره نمجد و تحسین از جسم نابایدار ذوالی پذیر است که بر اساس شهادت دور میزند و دیر بازود از بین میرود ، در صورتیکه علاقمندان باین عناوین واهی هنوز بیست مریوما تشدید و تحسین از زوج توجه نکرده اند و برای اقدام در این عمل وقت و زمان زیادی لازم است بلکه باید منتظر روزی باشند که گروه زمین و اهل این کره عوض شوند تا اینکه جایی ناممکنه ای زیبایی ملکه سدن و امانت و ملکه های و باو اخلاص را بشنویم .

اینجا جهاتی بود که بایست گالیله را متقاعد و از اظهار نظریه خویش منصرف سازد ولی گالیله شجاعت فوق العاده ای بفرج داده باظهار نظریه خود برداشت و در سال ۱۶۱۰ میلادی جزو ای بنام «قاصد آسمان» منتشر کرد و مشاهدات خود را که از آنچه سیارات بزرگی علاوه بر سیارات هفت گانه بطلمیوسی بود شرح داد ، انتشار آن در عین حال که موجب تشدید و تحسین فراوان گشت سبب اعتراضات در این سوی او روانه ساخت و حمی بر او زیاد زدند که چرا تعداد سیارات را هفت عدد نیدانید ؛ و حال آنکه تعداد فلزات هفت است و شمعان معبه هفت شاخه دارد و در کله آتمی هفت سوراخ موجود است ؛ و اقصا خیال میکنند که ستارگانی وجود دارد که بطلمیوس آنها را نمی شناخته است ؛ و ناینکه در سال ۱۶۳۲ میلادی کتاب دیگری برین ایتالیایی تألیف کرد و منتشر نمود که در آن سه نفر در راه حرکت زمین و سایر اصول عقاید کوپرنیک مشغول گفتگو هستند و یکی از آنها از بطلمیوس و دو نفر دیگر از کوپرنیک دفاع میکنند انتشار این کتاب همانته کتاب اول سر و صدای زیادی ایجاد کرد و خشم و غضب روحانیون را برانگیخت و بالاخره عصیان ناشی شدنی و الجاد او را ثابت کرد ، و انگیزه یسوع را داد که چون گالیله در کتابهای خود برای اثبات طریقه ای که مخالف کتاب مقدس شناخته شده دلایل مؤثر اقامه کرده بطن قوی مر تداست ؛ (۱) همین اتهام او را بر محضار کرده و در روز ۲۲ ژوئن سال ۱۶۳۳ میلادی مجلس بزرگی در کاخ واتیکان تشکیل داده به محاکمه وی پرداختند ولی دوستی گالیله با یکی از نجایانام «دوک توسکان» موجب شد که با وی به بلایت و ملاحظت رفتار کرده و کمال عفو و اغماضی را درباره او عملی نمایند لذا در آنروز ، برخلاف معمول با جدی اجازه ورود به مجلس بشوان تماشاچی ندادند و بطور کلی از گزارش جریان محاکمه وی خارج جلو گیری کردند ، زیرا واتیکان استخواست از شهر تیکه در بیرحمی و قساوت نیست آورده بود صرف نظر کرده و عفو و اغماض بیش از اندازه را نسبت به گالیله برای همه ظاهر سازد ؛

در آن مجلس که از باب و کار دینا لهای بزرگ و رؤسای محکمه تفتیش عقاید تشکیل شده بود ابتدا دعا نامه گالیله دائر بر حرکت زمین و سایر اصول عقاید وی قرائت گردید و سپس نوبت دفاع وی رسید ولی باو اجازه سخن داده نشد و بالاخره وادارش کردند که نوبه نامه زی را اعضا کند ؛

« من گالیله در هفتاد و هفت سال زندگی در مقابل حضرات شما برانود آوردمه در حالیکه

کتاب مقدس را پیش چشم دارم ، و با دستهای خود آن را لمس میکنم توبه میکنم و ادعای خالی از حقیقت حرکت زمین را انکار میکنم ؛ و آنرا مقهور و مطرود میدانم » (۱) .

گالبه هم ناچار آنرا امضا کرد و از محکمه خارج شد بعد از آن مجالسین دیدند که گالبه بالاگشت خود بروی زمین نوشت بود با آن همه ، زمین حرکت میکند ؛ (۲)

این بود توبه نامه خجالت آوریکه به گالبه تحویل شده بود که باید آنرا يك قربانی نام نهاد که گالبه باضای شیوان تقدیش عقاید که در رأس آنها باب « افرین هفتم » قرار داشت داد تا از زبان زمین خود در راه عقیده محفوظ بماند .

(۱) تاریخ علوم بی بیروسو (۲) امت نامه دهخدا

فروب يك ستاره درخشان

روز جمعه ۸ جمادی الثانیه مطابق با ۲۶ آبانماه جهان تشیع یکی از گویندگان زبردست و دلسوز خود را از دست داد و مردمی را که از نزدیک با این ساطق بزرگ دینی آشنا بودند غرق ماتم و اندوه ساخت . آری واعظ شهیر مرحوم آقای شیخ علی اکبر قرنتی مردی بود با که امن ، دانشمند ، شجاع و دلیر ، مبارز و دلسوز برای اسلام ، و عمر پر افتخار خود را در راه و عطاوارشاد مسلمانان و مبارزه با فلسفه اخلاقی صرف کرده و در همین بست حساس هم جان خود را فدا کرد . مقدسید در راه نشر « مکتب اسلام » نیز با ماهدکاری فراوان داشت .

این ضایعه اسفناک را موم مسلمانان مخصوصاً بازماندگان آن عقیده سدید و جامعه روحانیت دگوبندگان اسلامی تسلیم میگوئیم .